

دوتا ۳۵۵	در میان گذاشتن / ۶۷
	یک شاگرد آنچه را که از اشعیا آموخته است، در میان می‌گذارد - بخش سوم
T = معلم ۱	S = معلم ۲

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید . با کمک این مجموعه که در مورد در میان گذاشتن برکات رازگهان است یاد خواهید گرفت که شاگرد عیسی مسیح شوید . ما دو معلم هستیم که آنچه از رازگهان خود از هفت بخش منتخب در کتاب اشعیا در عهد عتیق را یاد گرفته ایم با شما در میان خواهیم گذاشت . هفته ای یکبار جمع می‌شویم تا آنچه یاد گرفته ایم را با هم در میان بگذاریم . درحالیکه به این برنامه گوش می‌دهید، در دفترتان یادداشت بردارید یا برنامه را ضبط کنید. عنوان امروز این است : "یک شاگرد آنچه را که از اشعیا - بخش سوم آموخته است، در میان می‌گذارد."

(S) در میان گذاشتن از فصل‌های انتخاب‌شده از اشعیا

در طول هفته گذشته، فصل‌های ۴۸، ۵۲، ۵۳، ۵۵، ۵۸، ۵۹ و ۶۱ از اشعیا را خواندیم و در مورد آنها تعمق و دعا کردیم. اینک از یادداشتهای خود استفاده خواهیم کرد تا حقایق و درسهای مهمی از این فصل‌ها در میان بگذاریم و در مورد برخی از بخشهای دشوار گفتگو کنیم.

در میان گذاشتن برکات از اشعیا ۴۸

"خدا گذشته را از قبل پیشگویی کرد، وقایع زمان حال را هدایت می‌کند، و آینده را پیشگویی می‌نماید."

اول. "خدا گذشته را از قبل پیشگویی کرد"

در اشعیا ۴۸: ۳ - ۵ خدا می‌گوید: "آنچه را که می‌بایست رخ دهد از مدتها پیش به شما اطلاع دادم و آنگاه ناگهان آنها را به عمل آوردم... این وقایع را از مدتها پیش به شما خبر دادم تا نگویید که بتهاپتان آنها را بجا آورده‌اند." یکی از ویژگیهای منحصر بفرد خدای کتابمقدس این است که او وقایعی را که می‌بایست در آینده اتفاق افتد در گذشته پیشگویی فرمود، و آنگاه تمام پیشگویی‌های خود را در طول تاریخ عملی ساخت. هیچ یک از بتها و خدایان ادیان دیگر دنیا تابحال قادر به انجام چنین کاری نبوده‌اند. خدای زنده، خدای قادر مطلق است که بر تمام وقایع تاریخ بشر تسلط دارد. اوست که تمام وقایع زمان حال و نیز تمام وقایعی را که در آینده رخ می‌دهد، تعیین می‌کند.

دوم. "خدا وقایع زمان حال را هدایت می‌کند"

در اشعیا ۴۸: ۱۷ خدا می‌گوید: "من خداوند خدای تو هستم و تو را تعلیم می‌دهم تا سود ببری، و تو را به راهی که باید بروی هدایت می‌نمایم." یکی دیگر از ویژگیهای منحصر بفرد خدای کتابمقدس این است که او هر روزه قوم خود را به آنچه که به نفع آنهاست و برای ایشان بهترین است، و نیز به راهی که باید بروند، هدایت می‌کند. خدا قوم خود را از طریق کتابمقدس، از طریق روح القدس، و از طریق خادمینش هدایت می‌کند. قوم خدا که به آنچه خدا در کتابمقدس می‌گوید گوش می‌دهند، به هدایت روح القدس در قلبهایشان گوش می‌سپارند، و به مشورت حکیمان خدامین خدا گوش فرامی‌دهند، متوجه می‌شوند که خدا آنها را بسوی آنچه که برای آنان، برای خانواده‌هایشان و برای کاری که انجام می‌دهند بهترین است، هدایت می‌کند.

سوم. "خدا آینده را پیشگویی می‌کند"

در اشعیا ۴۸: ۶ - ۷ خدا می‌گوید: "اکنون چیزهای تازه‌ای می‌گویم که تابحال از وجود آنها بی‌اطلاع بوده‌اید. و چیزهایی بوجود می‌آورم که قبلاً نبوده است و درباره آنها چیزی شنیده‌اید." از آنجا که قوم اسرائیل قبلاً دیده‌اند که چگونه پیشگوییهای خدا در گذشته عملی شده است، بنابراین متقاعد خواهند شد که پیشگوییهای خدا در مورد آینده نیز تحقق خواهد یافت. این نبوتها که در اشعیا ۴۰ تا ۶۶ یافت می‌شود قبل از دوران تبعید پیشگویی شد، اما از نقطه‌نظر تاریخی به دوران تبعید اشاره دارد. هنگامی که قوم مدتها بعد به سرزمین بابل تبعید می‌شوند، به آنها یادآوری خواهد شد که خدا از مدتها قبل پیشگویی کرد که پادشاهی مقتدر، بابل را نابود خواهد کرد و اجازه خواهد داد قوم اسرائیل به سرزمین خود بازگردند. در اشعیا ۴۴: ۲۸ و ۴۵: ۱ حتی به نام این پادشاه نیز اشاره شده است. او کوروش پادشاه پارس خواهد بود. هیچ انسانی هرگز نمی‌توانست پیشاپیش از این نقشه خدا باخبر بوده باشد. خدا در زمان خاص خود، نقشه‌ای جدید تدبیر نمود و در زمان خاص خود، این نقشه را بر قوم مکتشف ساخت. و بالاخره، او در زمان خاص خود، این نقشه را دقیقاً به همان صورت که پیشگویی کرده بود، عملی خواهد ساخت.

من از این بابت که همان خدایی که گذشته را از قبل پیشگویی کرد و پیشگوییهای خود را مقتدرانه عملی نمود، امروزه نیز زندگی مرا در مسیری که برای من و خانواده‌ام بهترین است هدایت می‌کند و آینده مرا نیز بطرز مقتدرانه در دست خود دارد، بینهایت تسلی می‌یابم و تشویق می‌شوم. آری، من به خدای مقتدری که آینده زندگی‌ام در دستان پر قدرت و توانمند اوست، ایمان دارم.

(T) در میان گذاشتن برکات از اشعیا ۵۲: ۱۳ تا ۵۳: ۱۲

"نبوتی در مورد ظهور مسیح و بویژه در مورد مرگ و قیام او."

این قسمت دارای پنج بند است.

"بند اول، یعنی اشعیا ۵۲: ۱۳ - ۱۵، به معرفی موضوع اصلی این نبوت می‌پردازد: عیسی مسیح، یعنی مسیحای موعود، تنها از طریق متحمل شدن درد و رنج است که جلال می‌یابد."

در این بند، خود خداوند سخن می‌گوید.

آیه ۱۳ می‌گوید: «اینک بنده من با عقل رفتار خواهد کرد»، یا به عبارت دیگر، او با کامیابی و موفقیت عمل خواهد نمود. «او عالی و رفیع و بسیار بلند خواهد شد.» آیه ۱۳ در مورد «جلال یافتن عیسی مسیح» صحبت می‌کند، یعنی درباره قیام و صعود مسیح و نشستن او بدست راست خدا.

آیه ۱۴ می‌گوید: «بسیاری از مردم با دیدن او متحیر می‌شوند، زیرا صورت او بقدری عوض شده که دیگر شکل انسان ندارد.» آیه ۱۴ درباره «حقارت و خوار شدن مسیح» صحبت می‌کند. مردم چنان با او بدرفتاری می‌کنند که دیگر حتی نمی‌شود او را تشخیص داد.

آیه ۱۵ می‌گوید: «او خون خود را بر قومهای بسیار خواهد پاشید و آنها را از گناه پاک خواهد ساخت. پادشاهان جهان در حضور او دهان خود را خواهند بست، زیرا چیزهایی را خواهند دید که کسی برای آنها تعریف نکرده و چیزهایی را خواهند فهمید که از کسی شنیده بودند.» آیه ۱۵ درباره «جلال یافتن مسیح» صحبت می‌کند. در این آیه، جلال یافتن مسیح در آینده در تقابل با خفت و خواری او که در آیه ۱۴ توصیف شد، قرار می‌گیرد. کلمه «پاشیدن» را می‌توان به «برجهیدن» نیز ترجمه کرد. پادشاهان و ملتهای جهان با مشاهده جلال و عظمت او، حیرت‌زده از جا برخوانند جست. آنان با آمدن عیسی مسیح، چیزهایی را خواهند دید و شنید و به درک اموری نائل خواهند شد که قبلاً هیچگاه به آنان گفته نشده بود. دگرگونی حیرت‌انگیز سرنوشت عیسی مسیح بهنگام آمدن به این جهان باعث خواهد شد که بسیاری از مردم از نقشه خدا متحیر شوند.

(S) "بند دو، یعنی اشعیا ۵۳: ۱ - ۳، فروتنی و خفت و خواری را توصیف می‌کند که عیسی یعنی مسیحای موعود متحمل شد: مردم در مورد عیسی مسیح شک و تردید داشتند، او را خوار و حقیر شمردند و با او بدرفتاری کردند." در این بند، اشعیای نبی بعنوان نماینده قوم حقیقی خدا سخن می‌گوید.

آیه ۱ می‌گوید: «اما چه کم هستند کسانی که این حقیقت را باور میکنند. چه کم هستند کسانی که خداوند این حقیقت را به آنان آشکار ساخته است.» آیه ۱ می‌گوید که مردم از نظر مذهبی در مورد عیسی مسیح شک و تردید داشتند. اشعیای نبی می‌گوید که این نبوت، مکاشفای مستقیم از جانب خداوند است. هیچ انسانی نمی‌تواند چنین نقشه‌ای برای نجات آدمیان تدبیر کند. و این مکاشفه را باید با ایمان پذیرفت. اما در آیه ۱ می‌بینیم که هم اشعیای نبی و هم بعدها خود عیسی مسیح خداوند بارها و بارها با بی‌ایمانی مردم مواجه شدند. خدا خود را از طریق خدمتگزارش عیسی مسیح مکشوف ساخت، و با اینحال بسیاری به او ایمان نیاوردند و در مورد او شک کردند.

آیه ۲ می‌گوید: «او در نظر خدا مانند نهالی بود که در زمین خشک و شوره زار روئیده و ریشه دوانده باشد. اما در نظر ما او زیبایی و جلالی نداشت که مشتاقش باشیم.» آیه ۲ می‌گوید که عیسی مسیح از سوی جامعه خوار و حقیر شد. این آیه، پیشینه محقر عیسی مسیح و تحقیر شدن او از سوی اطرافیان را توصیف می‌کند. او مانند نونهال سست و ضعیفی است که از ریشه‌ای که در دل زمین خشک مدفون است، می‌روید. خانواده و هموطنانش هیچ گونه قدرت و عزت و احترامی برای او قائل نیستند. اجداد او نیز نه قدیسی برجسته، بلکه در عوض گنهگاران بزرگ بودند. بعنوان مثال، راحاب مادر بوعز زنی فاحشه بود، و داود پادشاه نیز زناکار بود. بعلاوه، عیسی در ناصره پرورش یافت که شهر کوچکی بود در استان جلیل و همگان آن را خوار می‌شمردند. عیسی در دورانی از تاریخ زندگی می‌کرد که قوم خدا یعنی اسرائیل از لحاظ روحانی خشک و مرده بودند. عیسی مسیح از هیچ گونه زیبایی جسمانی یا ظاهری برخوردار نبود، و هیچکس بطور طبیعی شیفته‌اش نمی‌شد. بعلاوه، او در برابر دیدگان خداوند رشد کرد و پرورش یافت. خود خداوند مراقب او بود و از او محافظت می‌کرد تا او رسالت خود را به انجام رساند.

آیه ۳ می‌گوید: «ما او را خوار شمردیم و رد کردیم، اما او درد و غم را تحمل کرد. همه ما از او رو برگردانیدیم. او خوار شد و ما هیچ اهمیت ندادیم.» آیه ۳ می‌گوید که عیسی مسیح از لحاظ جسمانی مورد بدرفتاری قرار گرفت. در آیه بوضوح توصیف شده است که چطور مردم آنقدر به او آزار رساندند و با او بدرفتاری کردند که تقریباً دیگر قابل تشخیص نبود. در متی ۲۶: ۶۷ می‌خوانیم که چطور اعضای شورای عالی یهود به صورت عیسی آب دهان انداختند و بر او سیلی زدند. در متی ۲۷: ۲۸ - ۳۰ نیز می‌خوانیم که سربازان لباسهای او را درآورده، تاجی از خار بر سرش نهادند و با چوب بر سرش کوبیدند. عیسی مسیح احتمالاً چنان مورد شکنجه واقع شده بود که مردم تاب دیدن چهره زجرکشیده او را نداشتند. بدین ترتیب قوم اسرائیل از دهان سخنگویان اشعیا اعتراف می‌کنند که چه اعمال شرورانه‌ای با عیسی مسیح انجام دادند.

(T) "بند سوم، یعنی اشعیا ۵۳: ۴ - ۶، قسمت اصلی یا قلب این نبوت است. این قسمت، نقشه عالی خدا برای نجات انسان را پیشگویی می‌کند: عیسی مسیح، همان مسیح موعود یا خدمتگزار خداوند، بجای ما و به نیابت از ما رنج می‌بیند." در اینجا، گناهان "ما" در تقابل با رنج و عذاب "او" قرار می‌گیرد.

آیه ۴ می‌گوید: «این دردهای ما بود که او به جان گرفته بود. این رنجهای ما بود که او بر خود حمل می‌کرد؛ اما ما گمان کردیم این درد و رنج مجازاتی است که خدا بر او فرستاده است.» آیه ۴ می‌گوید که عیسی مسیح درد و رنج و محنت ما را بر خود حمل کرد. این آیه شرح می‌دهد که چطور عیسی مسیح به کسانی که در نیاز هستند خدمت می‌کند. در متی ۸: ۱۶ - ۱۷ می‌خوانیم: «عده زیادی از دیوزدگان را نزد عیسی آوردند، و او با گفتن یک کلمه، تمام ارواح ناپاک را از وجود آنها بیرون کرد و تمام بیماران را شفا بخشید. به این وسیله، پیشگویی اشعیای نبی به انجام رسید که، «او ضعفهای ما را برطرف کرد و مرضهای ما را از ما دور ساخت.» «دو واژه «ضعف» و «مرض» بر روی هم بیانگر تمام انواع درد و رنج بشری است. عیسی درد و رنج ما را داوطلبانه بر خود حمل خواهد کرد. اما با اینکه او بیماران را شفا داد و در رنج دردمندان و ماتمیان شریک شد، مردم بهنگام محاکمه و مرگ او تصور کردند که رنجهای او مجازاتی از جانب خداست. از نظر آنان، درد و رنج و

زحمتی که عیسی متحمل می‌شد، مجازات الهی بود که به‌حق بر او نازل شده بود. قوم اسرائیل در آن زمان بسیار مذهبی بود و درد و رنج را مجازات گناه می‌دانست. اما این قوم نیز همچون فریسیان رنجهای مسیح را مجازات گناه خود او می‌دانستند، و نه مجازاتی که او بخاطر گناهان آنها متحمل می‌شد.

آیه ۵ می‌گوید: «برای گناهان ما بود که او مجروح شد و برای شرارت ما بود که او را زدند. او تنبیه شد تا ما سلامتی کامل داشته باشیم. از زخمهای او ما شفا یافتیم.» آیه ۵ می‌گوید که عیسی مسیح بخاطر گناهان ما به صلیب کشیده شد. این آیه، مرگ او را از طریق صلیب و نیز معنای این مرگ را پیشگویی می‌کند. این نبوتی است بسیار خارق‌العاده، زیرا «به صلیب کشیدن» بعنوان مجازاتی برای جنایتکاران، تنها ۶۰۰ سال بعد توسط رومیها متداول شد. بهنگام مصلوب شدن عیسی، مردم دستها و پاهای او را با میخهایی طویل و آهنی بر صلیب کوبیدند و آنگاه او را از صلیب آویزان کرده، منتظر شدند تا به همین صورت جان دهد. چنین درد و رنجی برآستی هولناک و غیرقابل تحمل بود. و عیسی مسیح سرانجام بواسطه همین عمل وحشتناک، بطرزی فجیع جان داد. چرا عیسی مسیح می‌بایست می‌مرد؟ اشعیای نبی می‌گوید که او بخاطر گناهان ما مصلوب شد. به عبارت دیگر، مرگ او بر صلیب مجازاتی بود بخاطر سرپیچی و نافرمانی عمدی ما از دستورات و فرامین خدا. او بخاطر گناهان و شرارتهای ما مجروح شد. به عبارت دیگر، او بطرزی فجیع مرد زیرا ما بطرزی فجیع گناه ورزیده و از حقیقت خدا گمراه شده بودیم. او مجازات شد نه برای اینکه باعث شود ما افراد بهتری باشیم، بلکه تا تاوان گناهان ما را بپردازد. عیسی مسیح نه تنها برای ما مرد، بلکه «بجای ما» مرد. او با مرگ خود، گناهان ما را با خود بر صلیب حمل کرد و محکومیت گناهان ما را بجای ما متحمل شد. به همین جهت، اگر به عیسی مسیح ایمان بیاوریم، دیگر زیر محکومیت نخواهیم بود بلکه در نظر خدا عادل محسوب خواهیم شد و با خدا سازش خواهیم یافت. مرگ عیسی مسیح بجای ما، صلح و سلامتی خدا را برای ما به ارمغان می‌آورد؛ به عبارت دیگر، باعث می‌شود که بطور کامل از نجات، برکات و شادی و سعادت الهی برخوردار شویم. زخمهایی که انسانها مسبب آن بودند، شفای خدا را برایمان به ارمغان می‌آورد؛ به عبارت دیگر، این زخمها باعث می‌شود از هر نوع ترس و اضطراب و درد و رنجی که بخاطر گناهانمان در زندگیهایمان وجود دارد، نجات یابیم و آزاد شویم.

آیه ۶ می‌گوید: «ما همچون گوسفندانی که آواره شده باشند، گمراه شده بودیم. راه خدا را ترک کرده و به راههای خود رفته بودیم. با وجود این، خداوند تقصیرها و گناهان همه ما را به حساب او گذاشت.» آیه ۶ می‌گوید که عیسی مسیح بخاطر استقلال‌طلبی گناه‌آلود ما مجازات شد. در این آیه، گناه انسان به صورت میل شرورانه او به مستقل زیستن از خدا و مخدوش کردن تعمدی حقیقت خدا توصیف شده است. بنابراین، گناه انسان باعث می‌شود او در نظر خدا مجرم و تقصیرکار باشد. درست مانند گوسفندانی که حاضر نیستند از شبان خود پیروی کنند، همه مردم این دنیا نیز از پیروی کردن از خدا سر باز زده‌اند و هر فرد به راهی رفته است - راهی که خود ابداع کرده و برای خود برگزیده است. تمامی این راهها یک وجه‌مشترک دارند: همگی مستقل از خدا عمل می‌کنند. عیسی مسیح بخاطر چنین گناهانی بود که جان داد. اما گناهان تمام کسانی که به عیسی مسیح ایمان می‌آورند، بر او نهاده می‌شود و تاوان آن توسط مرگ عیسی مسیح پرداخت می‌گردد.

(S) "بند چهارم، یعنی اشعیا ۵۳: ۷ - ۹، تسلیم بودن کامل مسیح در برابر رنجهایی که متحمل می‌شد را توصیف می‌کند." آیه ۷ می‌گوید: «با او با بی‌رحمی رفتار کردند. اما او تحمل کرد و زبان به شکایت نگشود. او را مانند بره به کشتارگاه بردند. و او همچون گوسفندی که نزد پشم‌برنده‌اش بی‌زبان است، خاموش ایستاد و سخنی نگفت.» آیه ۷ به توصیف رنجهایی می‌پردازد که عیسی مسیح همچون یک بره متحمل شد. این آیه، واکنش عیسی در قبال این رنجها را شرح می‌دهد. او متحمل رنج و زحمت شد بی‌آنکه در برابر کسانی که به او جفا می‌رساندند مقاومت کند. با او با بی‌رحمی رفتار شد، بدین معنا که مردم با او بدرفتاری کردند و او اجازه داد وی را تحقیر کنند و خوار بشمرند. در مدت زندگی او، به او تهمت دیوانگی و دیوزدگی زدند، و با اینحال او در صدد انتقام برنیامد. بهنگام محاکمه او، به وی اتهام دروغ بستند و او را کتک زدند، و با اینحال او انتقام نگرفت. او در کمال فروتنی، ضربات و جراحاتی را که بر او وارد می‌کردند پذیرفت، تا آنجا که دیگر حتی کسی نمی‌توانست چهره خونین‌اش را تشخیص دهد. او در برابر خفت برهنگی و مصلوب شدن بصورت عریان، مقاومت نکرد بلکه تسلیم شد. او در برابر خفت و خواری مسخره شدن در ملاء عام مقاومت نکرد بلکه تسلیم شد. او حتی یکبار نیز نکوشید در دفاع از خود سخنی بگوید.

آیه ۸ می‌گوید: «به ناحق او را به مرگ محکوم کرده، کشتند و مردم نفهمیدند که او برای گناهان آنها بود که کشته می‌شد. بلی، او بجای مردم مجازات شد.» آیه ۸، مرگ عیسی مسیح بعنوان یک جنایتکار را توصیف می‌کند. عیسی مسیح پس از آنکه از طریق عذاب باغ جنسیمانی و بدرفتاری‌های مردم شکنجه شد و از سوی قضات بی‌انصاف روزگار خود به ناحق محکوم گردید، برده شد تا بر صلیب میخکوب گردد. او را بین دو جنایتکار مصلوب کردند، تا بدین ترتیب همگان تصور کنند که او نیز یک جنایتکار است. عیسی مسیح برآستی مرد. او را برآستی کشتند. اشعیای نبی از اینکه اسرائیل مسیحی موعود خود را رد کرده و کشته است، غمگین و ماتم‌زده است. مردم در دوران عهدعتیق تا آن زمان که شاگردان عیسی بخاطر مرگ استادشان ماتم نمودند، درمورد زندگی پس از مرگ چیز زیادی نمی‌دانستند.

آیه ۹ می‌گوید: «هنگامی که خواستند او را همراه خطاکاران دفن کنند، او را در قبر مرد ثروتمندی گذاشتند. اما هیچ خطایی از او سر نزنده بود و هیچ حرف نادرستی از دهانش بیرون نیامده بود.» آیه ۹، دفن شدن عیسی مسیح بعنوان فردی ثروتمند را توصیف می‌کند. از آنجا که عیسی مسیح بعنوان یک جنایتکار محکوم شده بود، نقشه مقامات این بود که او با خفت و خواری نیز دفن شود. این یکی از وحشتناکترین چیزهایی بود که می‌توانست در آن روزگار برای کسی اتفاق بیفتد. اما خدا این نقشه آنها را عقیم گذاشت و عیسی مسیح در عوض در قبر شخصی ثروتمند دفن گردید. این برآستی افتخار بزرگی بود. در متی ۲۷: ۵۷ - ۶۰ می‌خوانیم: «هنگام غروب، مردی ثروتمند بنام یوسف که اهل رامه و یکی از پیروان عیسی بود، به حضور پیلاتس رفت و

از او جسد عیسی را خواست. پیلطس دستور داد جسد را در اختیار او قرار دهند. یوسف جسد را گرفت و در کتان پاکی پیچید و در مقبره‌ای که بتازگی برای خود از سنگ تراشیده بود، جای داد. سپس سنگ بزرگی در مقابل قبر قرار داد و رفت. "دفن شدن پرافتخار عیسی اولین نشانه‌ای بود که ثابت می‌کرد او در نظر خدا از هر لحاظ بی‌عیب و نقص است. از او هیچ بدی سر نزده بود و هیچ مکاری در سخنانش یافت نشد. عیسی مسیح اگرچه کاملاً بی‌گناه بود، داوطلبانه تمام آن رنجها و زحمات را به جان خرید.

(T) "بند پنجم، یعنی اشعیا ۵۳: ۱۰ - ۱۲، پاداشی را که مسیح از خدا دریافت می‌دارد و جلال نهایی او را توصیف می‌کند."

آیه ۱۰ می‌گوید: "این خواست خداوند بود که او رنج بکشد و بمیرد. او جانش را قربانی کرد تا آمرزش گناهان را به ارمغان آورد. بنابراین صاحب فرزندان بیشمار خواهد شد. او زندگی را از سر خواهد گرفت و اراده خداوند به دست او اجرا خواهد شد." آیه ۱۰، رنجهای عیسی مسیح را بعنوان آنچه که جزئی از نقشه خدا بود توصیف می‌کند. این واقعیت، نقطه‌عطف این نبوت است. ممکن است بپرسید اگر عیسی مسیح کاملاً بی‌گناه بود، چرا می‌بایست بمیرد؟ پاسخ این است که از طریق درد و رنج و مرگ عیسی، نقشه‌های عالی و شگفت‌انگیز خدا به انجام رسید. درد و رنج مسیح جزو نقشه ازلی خدا بود. مرگ عیسی از یک سو حکم ناعادلانه قاضیان بی‌انصاف و محکمه‌هایی دنیوی بود، اما از سوی دیگر حکم عادلانه‌ای بود که خدا بواسطه گناه این دنیا صادر فرموده بود. اگرچه تصویری از قربانی گناه در قالب قربانی‌های مختلف دوران عهدعتیق نیز وجود داشت، اما قربانی شدن داوطلبانه و شخصی پسر خود خدا بخاطر گناهان انسان چیزی غیرقابل تصور بود. عیسی مسیح از طریق مرگ و قیام خود، بر تعداد فرزندان روحانی خود که به حیات جاودان راه می‌یابند هزاران برابر می‌افزاید. در یوحنا ۱۲: ۳۲ عیسی می‌گوید: "وقتی من از زمین بلند کرده شوم، همه را نیز بسوی خود بالا خواهم کشید." عیسی مسیح بواسطه قیام خود از مردگان، تا به ابد زنده خواهد بود (مکاشفه ۱: ۱۸) و نقشه خدا برای نجات بشر از طریق او که ناجی ماست و برای ما وساطت می‌کند، تحقق خواهد یافت.

آیه ۱۱ می‌گوید: "هنگامیکه ببیند عذابی که کشیده چه ثمری به بار آورده، راضی و خشنود خواهد شد. خدمتگزار عادل من بار گناهان بسیاری از مردم را به دوش خواهد گرفت و من بخاطر او آنها را خواهم بخشید." آیه ۱۱ به کار عیسی مسیح بعنوان کاهن اعظم خدا پس از قیام از مردگان اشاره دارد. در اینجا نیز بار دیگر خود خداوند سخن می‌گوید. کار نجاتی که عیسی به انجام رساند، عمیقاً مایه خشنودی او بود. از آن پس، شناخت و معرفت خدا و نقشه نجات خدا در مسیح، در تمام دنیا موعظه و تعلیم داده خواهد شد. عیسی مسیح کسانی را که به او ایمان آورند و به این معرفت و شناخت نائل شوند، عادل خواهد ساخت. آری، اینگونه است که او بسیاری را عادل خواهد گرداند.

آیه ۱۲ می‌گوید: "بنابراین به او مقامی بزرگ و قدرتی عظیم خواهم داد، زیرا او خود را فدا کرد، از خطاکاران محسوب شد، بار گناهان بسیاری را بر دوش گرفت، و برای خطاکاران شفاعت کرد." آیه ۱۲ به توصیف پاداشی می‌پردازد که خدا به عیسی مسیح خواهد داد. مسیح موعود در این آیه بعنوان پاتریاخ بزرگی توصیف می‌شود که وارث تمام وعده‌های خداست. همچنین مسیح به صورت پادشاه قدرتمندی توصیف می‌شود که بعنوان پاداش کار پیروزمندانه نجات، ارتشی قدرتمند و بیشمار در اختیار او قرار می‌گیرد. تمام کسانی که توسط عیسی مسیح عادل گردانده شوند، به او تعلق خواهند داشت. عیسی مسیح هم‌اکنون نیز بی‌وقفه برای آنان در حال شفاعت است.

(S) تکلیف برای هفته آینده

اول. هر روز وقت رازگهان داشته باشید و یک فصل از ارمیا را بخوانید. فصلهای انتخاب شده، عبارتند از ارمیا فصلهای ۱، ۲، ۴، ۱۰، ۱۷، ۱۸ و ۲۳. ملاحظات و تفکرات خود را در دفترتان یادداشت کنید. هفته‌ای یک بار، با یک دوست یا در یک مشارکت خانگی یا گروه شاگردی، آموخته‌ها، کشفیات، و برکات خود را در میان بگذارید.

دوم. کتابهای دستورعمل "بروید و ملکوت خدا را موعظه کنید" را ملاحظه کرده و به آدرس اینترنتی www.dota.net مراجعه کنید. این آدرس را به حروف تکرار میکنم....

سوم. هر شب تا چهارشنبه به برنامه "دوره شاگردسازی از رادیو" گوش دهید.